

جلسه هفدهم اعتقادات

«امامت - اقسام وجه الله، يد الله، عين الله و لسان الله»

۱- امامت - اقسام وجه الله، يد الله، عين الله و لسان الله

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله، لا
سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه
الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى
قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ
آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»^۱.

در هفته‌های گذشته درباره‌ی این آیه‌ی شریفه و درباره ولایت
مطلقه‌ی کلیه‌ی ائمه اطهار علیهم السلام عرایضی عرض شد.
چند مطلب درباره این موضوع باقی مانده است، که امروز
توضیح می‌دهم و امیدوارم که همه ما کاملاً حقایق را از زبان
خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام درک کنیم.
مسأله‌ای که درباره ائمه اطهار علیهم السلام و پیغمبر اکرم
صلی الله علیه وآله و این چهارده نفری که به عنوان رهبران

۱ - سوره مائده، آیه ۵۵.

اسلام و رهبران دین حقیقی، مذهب تشیع در روایات زیادی حتی روایات اهل سنت آمده است؛ آن‌ها را به عنوان «ید الله»، «عین الله»، و «لسان الله» و «وجه الله» گفته‌اند. این عبارات در روایات زیاد و بلکه با تأویلی در آیات قرآن و روایات اهل سنت آمده است.

به طور کلی کلمه‌ی «وجه الله» که حتی در دعای ندبه عرض می‌کنیم «أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ الْأَوْلِيَاءُ» که امام علیه‌السلام را آن وجه خدایی که اولیاء خدا به آن متوجه هستند بیان فرموده.

۲- اقسام وجه الله

وجه الله شاید به سه تقسیم گفته شود: یکی «وجه الله عام» و «وجه الله خاص» و «وجه الله خاص الخاص».

۳- معنای وجه الله عام

هر کس و هر چیز اگر به حقیقتش انسان نگاه کند می بیند، وجه الله است؛ یعنی یک صفت یا یک اثر از ذات مقدّس پروردگار در او ظاهر است. به طور کلی در پرانتز یک مطلبی را یک معنایی را از این تشبیه عرض کنم و آن این است که از این جهت به هر چیزی یا به ائمه اطهار علیهم السلام «وجه

الله» گفته‌اند، که چون در صورت هر انسانی همه صفات درونی‌اش ظاهر است که بعضی از آن صفات را همه می‌فهمند؛ مثلاً اگر کسی غضبناک باشد ولو اظهار غضبش را نکند، از صورتش فهمیده می‌شود و همه می‌فهمند که این شخص در دل غضب کرده یا اگر خوشحال باشد همه کس از صورتش می‌فهمند این شخص خوشحال است، ولی قیافه شناس‌هایی هستند که همه صفات درونی انسان را از قیافه انسان می‌فهمند آن‌ها تخصص دارند و چون همه صفات درونی انسان از صورت بدنی‌اش ممکن است ظاهر شود از این جهت خدای تعالی صفات حمیده‌اش از صورتش که

مخلوقش باشند شناخته می‌شود. حالا گاهی ممکن است
من و شما نگاه کنیم به «وجه الله» صفات خدا را زیاد نفهمیم،
اما متخصصین آن‌هایی که می‌فهمند و درک می‌کند مثل
خود ائمه اطهار علیهم السلام همه صفات الهی را در ائمه
اطهار علیهم السلام مشاهده می‌کنند از این جهت آن‌ها را
«وجه الله خاص الخاص» یعنی همه صفات الهی در ائمه
اطهار و در پیغمبر اکرم و فاطمه زهرا سلام الله علیهم اجمعین
هست و دیده می‌شود بنابراین هر کس به هر نوع یک نشانه‌ای
از صفات خدا در او دیده شد به عنوان عام وجه خدا است.

مثلاً مخلوقات خدا، خالقیت پروردگار در آن‌ها دیده می‌شود. حالا می‌خواهد جماد باشد، نبات باشد، حیوان باشد یا انسان همه موجودات نشانه‌های پروردگار هستند، نشانه‌های خلقت پروردگارند که گفت: «وَفِي كُلِّ شَيْءٍ لَهُ آيَةٌ»^۲ در هر چیزی برای خدا نشانه‌ای هست، همه چیز آیات پروردگارند. در قرآن هم خدای تعالی می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۳ همه‌ی بالایی‌ها و پایین همه‌ی این‌ها نشانه‌های خدا هستند. نشانه همان وجه خدا است، همان وجهه خدا است، همان ظهور صفات پروردگار است؛ پس

۲ - اشعار عربی - تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۵، ص ۱۱۴.

۳ - سوره روم، آیه ۲۲.

می بینم که در همه موجودات نشانه‌ای از خدا هست و به معنای عام «وجه الله» هستند.

۴- معنای وجه الله خاص

اما «وجه الله خاص»، «وجه الله خاص» همان‌هایی هستند که تا حدی نه کامل و یا اگر کامل است در محدوده‌ای این‌ها صفات الهی را در خودشان به وجود آورده‌اند؛ اولیاء خدا آن‌هایی که تزکیه نفس کرده‌اند، صفات رذیله را از خودشان دور کرده‌اند و صفات پروردگار را در خودشان در یک محدوده‌ای، در یک حدی حتّی تمام صفات الهی را در

خودشان به وجود آورده‌اند، مانند غیر معصومین از شهداء، صالحین، انبیاء که در آسمان چهارم در نعمت پروردگار مُتنعم هستند و در دنیا هم طبعاً اوتاد، ابدال، اصحاب حضرت بقیة الله یا اصحاب سید الشهداء و امثال این‌ها، این‌ها «وجه الله خاص» هستند؛ یعنی تا یک حدی خدا را نشان می‌دهند و به همین دلیل است یک مرجع تقلید یک فردی که «صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ»^۴ این شخص را «آیة الله» می‌گویند، «آیة الله»

۴ - وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۴ و ۹۵.

یعنی نشانه خدا همه وجودش نشانه خدا است و طبعاً «وجه الله» است.

۵- معنای وجه الله خاص الخاص

اما یک وجه الهی داریم که اگر او را دیدیم خدا را دیده‌ایم، اگر به او محبت کردیم به خدا محبت کردیم، اگر با او دشمنی کردیم، با خدا دشمنی کردیم. در زیارت‌ها برخورد می‌کنیم به این جملات «مَنْ عَرَفَكُمْ» خطاب به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است، خطاب به ائمه اطهار علیهم السلام در زیارت جامعه است، «مَنْ عَرَفَكُمْ فَقَدْ

عَرَفَ اللَّهُ» کسی که شما را بشناسد قطعاً، تحقیقاً خدا را شناخته در اینجا با «فقد» با کلمه قطعاً بیان کرده. «کَمَنْ» نیست، مثلاً «مَنْ زَارَ عَبْدَ الْعَظِيمِ بِالرِّيِّ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بِكَرْبَلَاءٍ»^۵ کسی که حضرت عبد العظیم را در شهری زیارت کند، مانند کسی است که حسین علیه السلام را در کربلا زیارت کرده عین آن نیست، مثل کسی است که سید الشهداء علیه السلام را زیارت کرده، امّا اینجا می فرماید: «مَنْ عَرَفَكُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ»^۶ یعنی هیچ کم و زیاد ندارد اگر شما را کسی شناخت قطعاً، تحقیقاً خدا را شناخته «وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ

۵ - مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۱۶.

۶ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

أَحَبَّ اللَّهِ» کسی که شما را دوست بدارد، قطعاً، تحقیقاً خدا را دوست داشته و همچنین «مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ» یا امثال این جملات داریم به این معنا است که آنها «وجه الله خاص الخاص» هستند و کسی راه به این حد از کمال ندارد. آنچنان اینها در بین مخلوق و خدا واسطه هستند که باید همه چیز را از خدا بگیرند، در وجود خودشان ثبت کنند و بعد مردم از آنها یاد بگیرند، «لَوْ لَانَا مَا عُرِفَ اللَّهُ» اگر ما نبودیم خدا شناخته نمی شد، «لَوْ لَانَا مَا عُبِدَ اللَّهُ»^۷ اگر ما نبودیم خدا بندگی نمی شد می بینید معنای «وجه» این است، اولیاء خدا

۷ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

«وجه الله» هستند ولی اولیاء خدا «وجه الله» خاصند، امّا امام عصر ارواحنافداه «وجه الله خاص الخاص» است که اولیاء خدا باید اگر می خواهند به خدا متوجه بشوند، باید به امام زمان ارواحنافداه متوجه باشند، «أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ الْأَوْلِيَاءُ» این یک معنا.

بنابراین ائمه اطهار علیهم السلام به این معنا که همه صفات الهی در آنها هست و به علاوه واسطه بین خدا و خلق هستند در گسیل صفات پروردگار به مخلوق. از این جهت آنها را «وجه الله» گفته اند.

۶- معنا و اقسام ید الله

و اما باز در آیات و روایات کلمه « ید الله » را می بینیم. « ید الله » معنای ظاهری اش این است که دست خدا، « إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ [تَحْتَ شَجَرَةٍ] إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ »^۸ دست خدا بالای دست این ها است. خدا را ما می شناسیم که مجرد است، مُجَسَّم نیست و طبعاً از این دستی که ما در فکرمان می آید دور و منزّه است، پس « ید الله » اینجا چه معنا دارد؟ ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند: علی « ید الله » است،

۸ - سوره فتح، آیه ۱۰.

ائمه اطهار عليهم السلام «يد الله» هستند، چرا به آنها «يد الله» گفته شده؟

باز «يد الله» به همین سه بخش تقسیم می شود: «يد الله عام»، «يد الله خاص» و «يد الله خاص الخاص».

۷- يد الله عام

به طور کلی هر کس و یا هر چیزی که برای خدا کاری را طبق دستور خدا انجام بدهد، «يد الله» است.

«يد الله عام» همین مردمی هستند که در صراط مستقیم دین و به دستور خدای کریم به مردم کمک می کنند؛ یعنی شما

یک دفعه می‌بیند همسایه‌تان یا یکی از دوستانتان مشکلی دارد برمی‌دارید یک مقدار پول همراه خودتان، می‌روید در خانه‌اش این پول را به او می‌دهید، بر می‌گردید شما «ید الله» هستید، منتها «ید الله عام»، البته هر کس «ید الله» نمی‌شود، آنکه برای خدا، برای اینکه خدای تعالی را از خودش راضی کند، نه برای اینکه من حالا به این کمک می‌کنم بالاخره این بدردم خواهد خورد، نه، برای اینکه به این کمک می‌کنم تا بگویند: فلانی مردی سخی‌ای است، نه به خاطر اینکه مردم ببینند، فقط و فقط برای خدا و برای امر پروردگار، اینکه می‌گوییم برای خدا و برای امر پروردگار هر دو را می‌گوییم علّت

دارد، گاهی انسان فکر می‌کند این کارش برای خدا است و حال اینکه خدا راضی نیست! باید با اذن پروردگار باشد. در قرآن مجید خدای تعالی کارهایی به حضرت عیسی بن مریم نسبت می‌دهد «وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ»^۹، من مثلاً کور را شفا می‌دهم، فلج را شفا می‌دهم، برص را شفا می‌دهم، مرده را زنده می‌کنم، همه‌اش کنارش «بِإِذْنِهِ»^{۱۰} یا «بِإِذْنِ اللَّهِ»^{۱۱} است. اذن خدا لازم است تا کار مورد توجه خدای تعالی واقع شود.

۹ - سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۱۰ - سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۱۱ - سوره بقره، آیه ۹۷.

فکر ناقص ما که خدا حتماً دوست دارد و هیچ دلیلی بر این موضوع نداریم و نمی‌دانیم در صراط مستقیم هست یا نیست به درد نمی‌خورد، باید حتماً «اذن الله» باشد حالا یا از طریق کلیات فقه انسان استفاده می‌کند، یا از طریق مثلاً سؤال از فقیه استفاده می‌کند، یا خودش اجتهاد کرده و در کتاب‌ها تحقیق کرده و دیده این کار را خدا دوست دارد آن وقت اگر یک وقت ندرتاً اشتباه هم کرد آنجا مسأله‌ای نیست آن وقت حرکت می‌کند و این پول را به یک نفر می‌رساند. یک نفر معتاد بود یک شخصی آمد به من گفت که فلانی یک مقدار پول این بنده خدا معتاد است افتاده یک کناری من

می‌خواهم بروم برایش تریاک تهیه کنم به او بدهم! خب اینجا آدم احساس می‌کند این پول دادن کار خیری هست، بردن و دادن به یک مستحق کار خیری هست، امّا اصل عمل مورد نهی پروردگار است، من از باب مثال عرض کردم؛

باید دو موضوع باشد یکی نیت شما خالص باشد و دوّم خدا امر کرده باشد مطمئن باشید که خدا امر کرده این دو موضوع اگر وجود داشت وقتی که شما دستتان را دراز می‌کنید که این پول را به آن شخص بدهید دست شما دست خدا است، وجود شما وجود خدا است امّا وجود خدا یا دست خدا به نحو عام، همه این کار را می‌کنند بالاخره در دوران عمرشان

هم که شده حتی کفار گاهی می شود یک کارهای خیری انجام می دهند که خدا دوست دارد و نتیجه خوبی هم دارد.

۸- ید الله خاص

اما یک «ید الله خاص» داریم. خاص. آنها کار اولیاء خدا است، تنها به مادیات اکتفاء نمی شود مادیات یک مسائل خیلی عادی است، خیلی معمولی است، شما یک مجلسی ترتیب دادید و برای خدا و قصد قُربت هم کردید ده هزار نفر را شام دادید و همه هم فقرا بودند و خوردند و شما را دعا کردند یک همچنین کاری، در عین حال شما مرکب ها را در آخور

جا دادید و آن‌ها را سیر کردید و به قول مرحوم استادمان حاج ملا آقا جان که - این را من شاید مکرر نقل کردم - در یک مجلسی رفتیم غذا مفصل، پذیرایی مفصل امّا به هیچ وجه زمینه‌ی حرف معنوی در آن مجلس نبود آمد به صاحبخانه فرمود؛ که مرکب ما را خوب سیر کردی، گاه و جوی خوبی به آن دادی، خیلی ممنون، امّا خودمان گرسنه داریم از این مجلس بیرون می‌رویم.

مسائل روحی، پذیرائی‌های روحی، غذای روحی اصلاً طرفِ مناسبت با غذای روح نیست اگر روح داشته باشید، اگر لذّت‌های روحی را درک کند، اگر فهم و درک اینکه چه گفتند

و چه شنیدیم و چه استفاده کردیم و چه راه راستی را انتخاب کردیم را بفهمیم پس بنابراین «ید الله خاص» آن‌هایی هستند، علمایی هستند، اولیاء خدایی هستند، افرادی که این‌ها به وسیله خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام غذای روح برایتان تهیه می‌کنند و به شما می‌دهند، این‌ها «ید الله خاص» هستند.

باید آنچه هم که استفاده می‌کنید مثل غذاهای معمولی؛ اگر شما یک غذایی در یک خانه‌ای رفتید و خوردید ولی ندانید این غذا مسمومیت دارد و مسمومتان می‌کند یا اینکه مثلاً یک قوئی به شما می‌دهد این را ندانید. یا ندانید یا بدانید که

از جایی آمده که ممکن است یا قطعاً مسمومتان می‌کند این غذا شما را از پا در می‌آورد، این غذا را اگر کسی به شما داد «ید الله» که نیست بماند - غذای روحی را می‌گویم - «ید الله» که نیست بماند بلکه «ید شیطان» دشمن شما است؛ اگر یک مجلسی تشکیل شد چه طرف افراط را گرفت، چه طرف تفریط چه مطالب منحرف کننده‌ی به طرف راست به شما تعلیم دادند، چه مطالب منحرف کننده‌ی به طرف چپ، حالا چپ و راستش را برایتان عرض نمی‌کنم میانه رویش و حقیقتش و خیرالامورش این است که جز از آیات قرآن و

روایات خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام برای شما
نگویند.

به مجرد اینکه گفتند: فلان فلیسوف یا فلان دانشمند این طور
گفته. شما تحقیق کردید دیدید که این کلام از ائمه اطهار
نیست و آن‌ها نگفتند، نباید به طرفش بروید. «ید الله» آن کسی
است که از خدا بگیرد به شما بدهد، از آیات قرآن بگیرد به
شما بدهد، از روایات اهل بیت عصمت و طهارت
علیهم السلام را بگیرد به شما بدهد. این مطلب را آقایان در
گوشتان قرار دهید خدای من شاهد است بیشتر این جلسه را
برای همین تشکیل دادم که شما متوجه باشید که هر غذایی

را به روح‌تان ندهید، هر مطلبی را تحویل او ندهید، هر به اصطلاح چیز خوشمزه‌ای که به دهانتان، به ذائقه روح‌تان زیبا می‌آید ولی نمی‌دانید چه فایده دارد تحویل روح‌تان ندهید.

اولیاء خدا مرحوم مجلسی رضوان‌الله تعالی‌علیه است، آن کسی که «ید الله» است، شما ببینید این کتاب بحار الانوار مرحوم مجلسی؛ ضمناً این را بدانید که بحار الانوار مال مردم غیر مجتهد نیست، اسمش را گذاشته بحار، بحار یعنی دریا، بحر یعنی دریا هر کسی وارد دریا بشود بخواهد مروارید بیرون بیاورد، این خفه می‌شود اگر غواصی نداشته باشد، غواصی بلد نباشد یک نفر وارد دریا می‌شود. در جای پُر عمق دریا

می‌رود پایین اما غَوَاص نیست حتی شنا بلد نیست، این خفه می‌شود؛ غیر مجتهد که غَوَاص بحار الانوار است که حق ندارد روایات بحار را مگر اخلاقیاتش را، مگر بعضی از مطالبش را تحقیق کند حتّی من در ترجمه کتاب بحار الانوار یک وقتی به یکی از این مترجمین اعتراض کردم: چرا این‌ها را ترجمه می‌کنی؟

ترجمه کردن مثل این است که انسان یکی را بیاندازد در دریا و بگوید حالا دست و پا بزن و بیرون بیا، نمی‌شود. مرحوم مجلسی «ید الله خاص» است که از ائمه اطهار علیهم السلام گرفته، از خدا گرفته، در یک کتاب مُدَوَّن (تدوین) کرده،

مرحوم کلینی همچنین، مرحوم حُرّ عاملی همین طور، دانشمندان بزرگی که از خاندان عصمت علیهم‌السلام گرفته‌اند از «ید خاص الخاص» خدا گرفته‌اند و به مردم تحویل داده‌اند و مردم مطالبی را استفاده می‌کنند این‌ها «ید الله خاص» هستند، این‌ها کسانی هستند که وقتی حضرت بقیه الله ارواح‌نافداه بنا شد در غیبت صغری باشند؛ غیبت صغری یعنی غروب کردن خورشید ولایت و مردم در تاریکی کم‌کم دارند قرار می‌گیرند چه کار کند، فوراً آن «ید الله خاص» که مثل مرحوم ابن بابویه، مثل مرحوم کلینی، شخصیت‌هایی که در آن زمان بودند فوراً دست به کار شدند، کتاب «مَنْ

لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ» را مرحوم صدوق نوشت، «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ
الْفَقِيهُ» از اسمش پیدا است کسی که فقیه در اختیارش
نیست این کتاب را داشته باشد، کسی که امام در اختیارش
نیست، یعنی آدرس امام را ندارد این کتاب را داشته باشد. در
مدّت غیبت صغری که چهار نائب حضرت برای خودشان به
تدریج مُعین فرمودند و بنا شد مردم اگر کاری دارند به این
چهار نفر یک یکشان یعنی پشت سر هم آمدند، در یک زمان
چهار نفر نبودند این را بدانید؛ یعنی اوّل آن شخص و بعد آن
شخص بعد آن شخص و بعد آخریشان که در شصت و نه
سال بعد از غیبت صغری از دار دنیا ظاهراً رفته، در این مدّت

ارتباط کمی به اصطلاح ما با امام عصر ارواحناده بود نامه می نوشتند می دادند خدمت مثلاً حسین بن روح، ایشان نامه را می برد جواب بر می گرداند و ارتباط این طوری بود این در زمان غیبت صغری بود.

حسین بن روح در بازار بغداد یک روغن فروش بود ولی شیخ کلینی، ابن بابویه از علماء بزرگ هستند به آنها حضرت نیابت نداد چرا؟ به خاطر اینکه اینها باید کار رابطه گی بین خدا و ائمه اطهار علیهم السلام و جمع آوری روایات و چیزهایی که به درد شیعه در غیبت کبری می خورد جمع کنند، آنها وقتشان را برای یک نامه بروند و برگردند نباید

صرف بشود؛ فکر نکنید علماء بزرگی مثل ابن بابویه مثلاً از حسین بن روح پایین‌تر بوده ممکن هم هست حتی بالاتر بودند اما این‌ها البته افراد پاکی بودند و تالی‌تلو معصوم. این چهار نائب باید ما دلیل داریم که باید یک نحوه عصمتی داشته باشند، و الاّ اعتمادی به سخنانشان نیست که از این مطلب بگذریم و این‌ها نشستند کُتب فقهی و کُتب روایی را جمع‌آوری کردند که هنوز که هست، ما بیشتر از کُتب آن‌ها که در زمان غیبت صغری بودند داریم استفاده می‌کنیم این‌ها «ید الله خاص» هستند. علماء بزرگ ما علامه حلی رحمه الله علیه، مقدس اردبیلی رضوان الله تعالی علیه این‌ها

افرادی بودند که رابط ائمه اطهار علیهم السلام با مردم بودند.
بنابراین پس یک «ید الله خاص» داریم. خوب فهمیدید.

۹- ید الله خاص الخاص

ولی «ید الله خاص الخاص» که «يُدُّ اللهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^{۱۲} که
درباره علی بن ابیطالب علیه السلام هست.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ» سلام بر تو ای وجه خدا، سلام بر تو
ای دست خدا در زیارتها هست که حتی «ید الله» که
می‌گویند؛ یعنی علی بن ابیطالب، یعنی ائمه اطهار

۱۲ - سوره فتح، آیه ۱۰.

عليهم السلام شما هم الان ذهنیت این طوری دارید این «ید
الله خاص الخاص» است که از خدا هر چه که خدا
می خواهد برای مخلوقش نترسید یک وقت به شما بگویند: تو
غلو کردی! جاهلند که می گویند: غلو کردی، معنای «ید الله»
همین است که هر کاری که خدا بخواهد با مخلوقش بکند،
هر رزقی که می خواهد به مخلوقش بدهد، هر محبتی که
می خواهد به مخلوقش بکند، باید با این واسطه باشد
ان شاء الله در بهشت هم هر چه خدا نعمت به شما می دهد به
وسیله دستش می دهد که «ید الله» خاندان عصمت و
طهارت اند؛ حاجت داری به آنها بگو، آنها «اذن الله خاص

الخاص» هستند می‌شنوند، با «لسان الله خاص الخاص» که این د تا را هنوز می‌خواهم توضیح بدهم، به خدا می‌گویند، خدا اجازه صدورش را مرحمت می‌کند. در همین صلوات می‌بینید خدای تعالی می‌گوید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»^{۱۳} خب چه احتیاجی به صلوات ما دارد خدا وقتی صلوات را بر پیغمبر می‌فرستد ما یعنی چه صلوات بفرستیم؟! امام علیه‌السلام می‌فرماید: صلوات خدا ارسال رحمتش است به خاندان عصمت و صلوات ملائکه واسطه ارسال این رحمتند و شما تا نخواستید باشید خدا آن رحمت

۱۳ - سوره احزاب، آیه ۵۶.

خاص الخاص را بر آنها نمی فرستد شما بخواهید ببینید
جریان چه طوری می شود؛ هر چه بر هر که می رسد به وسیله
خاندان عصمت، پیغمبر اکرم، فاطمه ی زهرا، دوازده امام
علیهم السلام و امروز به وسیله حضرت بقیه الله ارواحنا فداه
است که به ما می رسد. پس معنای خاص الخاص در «ید الله»
بودن را هم متوجه شدید، ائمه ما «وجه الله» خاص
الخاص اند، ائمه ما «ید الله» خاص الخاص هستند.

۱۰- تقسیم عین الله

و «عین الله» باز همین هم بر سه تقسیم می شود؛

۱۱- عین الله عام

یعنی شما اگر برای خدا به جایی نگاه کردید، برای خدا قرآن خواندید، برای خدا به یک بچه یتیم با محبت نگاه کردید، برای خدا و به امر خدا نگاهتان تحت کنترل الهی قرار گرفت، همه‌ی شما چشمتان، خودتان «عین الله» هستید، خدا می‌خواهد به این بچه یتیم یک کسی پیدا بشود با چشم محبت نگاه کند تا این شاد بشود، شما نگاهش می‌کنید خدا چون خواسته چشم شما چشم خدا است.

۱۲- عین الله خاص

یک «عین الله خاص» هم داریم که اولیاء خدا اینها با یک چشم دیگری نگاه می کنند؛ عموم مردم گاهی می شود «عین الله» بشوند، امّا «وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا»^{۱۴} اینها چشم دارند امّا درست نمی بینند همه جا چشمشان چشم خدا نیست؛ یعنی گاهی می شود با همان چشمشان آنچنان دیگری را اذیت می کنند که حساب ندارد، گاهی می شود با همان چشمشان یک طوری با مردم برخورد می کنند، با ضعیف ترین مردم برخورد می کنند که حساب ندارد، پس چه موقع انسان

۱۴ - سوره اعراف، آیه ۱۷۹.

چشمش چشم خدا، آن هم خاص می‌شود؟ وقتی که به مرحله‌ی عبودیت برسد، وقتی که مراحل تزکیه نفس را طی بکند، هر جا نگاه می‌کند، تا چشمش به یک نامحرم می‌افتد فوراً صورتش را می‌گرداند، به مجرد اینکه می‌خواهد قرآن را مطالعه کند قرآن باز است یک نگاهی می‌کند از کنارش بی‌تفاوت نمی‌گذرد، به مجرد اینکه به یک ولی خدا برخورد می‌کند که آن ولی خدا او را به یاد خدا می‌اندازد، «مَنْ يَذْكُرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيَاهُ»^{۱۵} دیدن او شما را به یاد خدا بیاندازد. می‌ایستد با او حرف می‌زند، گرم می‌گیرد، نگاهش می‌کند، به مجرد اینکه به

۱۵ - الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

یک فاسقی که از صورتش پیدا است فسق دارد می‌بارد
چشمش را از او بر می‌گرداند، چشمش را جایی می‌اندازد که
خدا دوست دارد، جایی می‌اندازد که خدا امر کرده، این هم
می‌شود چشمش «عین الله خاص» اولیاء خدا همه‌شان این
طورند. گاهی برای خدا به صورت فاسق نگاه می‌کنند، اما
برای خدا است چرا؟ برای اینکه شاید بتوانند او را به طرف
خدا بکشانند. این مسائل غالباً مربوط به این است که انسان
یک تفقّهی داشته باشد، یک فهمی، یک درکی خودش داشته
باشد.

۱۳- عین الله خاص الخاص

و «عین الله خاص الخاص» ائمه اطهار علیهم السلام اینکه نمی گویم رسول اکرم صلی الله علیه وآله اول و گاهی هم می گویم برای این است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله قطعاً این طور است و وقتی که ائمه این طور باشند که خلفاء آن حضرت هستند پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله به طریق اولی. پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله، فاطمه زهرا، ائمه اطهار علیهم السلام اینها «عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ»، اینها که چشم خدا که نظر هم دارد می کند، «وَقُلْ اَعْمَلُوا» هر کاری می خواهید بکنید بکنید «فَسِيرِیَ اللَّهُ» «یَرِی» یعنی می بیند «عَمَلْکُمْ وَ

رَسُولُهُ»^{۱۶} با «واو» عطف که چند هفته قبل توضیح دادم «و رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» هم می بینند.

همه می بینند، «ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ»^{۱۷}، بعد بر می گردد این ها به طرف آن عالم الغیب و الشهادة که نزد خدا باشد همان طوری که شما وقتی با چشمتان یک چیزی را دیدید برمی گردانید به حس مشترکتان منتها با این تفاوت که شما اگر با چشمتان نبینید حس مشترکتان درک نمی کند اما خدا درک می کند، خدا احاطه دارد اگر خدا بخواهد هر چه چشم است کنار بریزد هر چه زبان خدا است این ها را کنار

۱۶ - سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۱۷ - سوره توبه، آیه ۹۴.

بریزد، هر چه اذن خدا است کنار بریزد، هر چه «ید الله» هست همه را کنار بریزد، اصلاً همه اوضاع بهم می خورد. روی یک نظمی، روی یک وساطتی، روی یک برنامه ای پروردگار متعال با مخلوقش برخورد می کند.

۱۴- اقسام لسان الله

و یکی هم لسان الله است، این «لسان الله» هم همین طور؛

۱۵- لسان الله عام

بعضی افراد هستند که زبانشان زبان خدا است، هر چه می‌گویند از خدا می‌گویند بعضی افراد گاهی که اکثر مردم بلکه عموم مردم گاهی یک کلمه‌ای می‌گویند که هم خدا دوست دارد و هم خدا فرموده: بگو،

ماها اگر می‌خواهیم «لسان الله» باشیم، از عام برویم به خاص اقلّ کاری که می‌کنیم باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم، اقلّ کار والاّ شما بدانید لسان خدا نیستید؛ اگر برعکس شد خدای نکرده که شده متأسفانه که آنچه را خدا نخواستہ شما گفتید: بکن و آنچه را که خدا خواسته نهی کردید «سَيِّئَاتِي

زمان» زمانی می‌آید که منکر معروف می‌شود و معروف منکر می‌شود، سلمان خیلی تعجب کرد توی مسلمان‌ها؟ بله در مسلمان‌ها. از این بالاتر امر به منکر می‌کنند و نهی از معروف، من نمی‌خواهم دقیق بشوم و الاً ممکن است شامل همه‌مان بشود امر به منکر می‌کنند و نهی از معروف! خدا می‌داند الان چند مورد در نظرم می‌آید نمی‌توانم بگویم که امر به منکر می‌کنیم، نهی از معروف می‌کنیم مخصوصاً به بچه‌هایمان، مخصوصاً به جوان‌هایمان این شخص بدانید زبان خدا که نیست بماند زبان شیطان است، هر که می‌خواهد باشد به هر کاری که شما فکرش را نکردید که این

عاقبتش چی هست و به چه درد آخرت این فرزندان یا این جوان یا این دوستان می خورد و گفتید: بکن! بدانید زبانان زبان شیطان است، چون دو طرف دارد این شیطان این هم رحمن، شما می خواهید زبان شیطان باشید یا زبان رحمان، اگر زبان شیطان می شوی این حرف هایی که شیطان می گوید بزن، این حرف هایی که به درد نمی خورد بزن، این حرف هایی که به درد بچه ات نمی خورد بزن، این تربیت هایی که فرزندان را می کنی دخترانتان مخصوصاً می کنی این ها را بزن، اگر می خواهید خدایی حرف بزنی، حرف هایی که ائمه اطهار علیهم السلام زدند بزن، سخنانی که فاطمه زهرا

سلام الله عليها گفته و عمل را که انجام داده آنها را بگو و
وادار کن، امر به معروف کن و نهی از منکر که اگر این کار را
کردی تازه زبان عام خدا می شوی.

۱۶- لسان الله خاص

و آنهایی که ان شاء الله شما در آن راه دارید حرکت می کنید
که زبان خاص خدا بشوید. آن کسی که تزکیه نفس کرده، آن
کسی که کلامی از زبانش بیرون نمی آید مگر اینکه حساب
کرده که این آیا خدا راضی هست یا نیست. زبانش تحت
کنترلش است، زبانش حساب دارد، لغو نمی گوید، بیهوده

حرف نمی‌زند، با یک دوستی که حالا خوشش آمده دوستم
من چند تا حرف‌هایی بزنم او بخندد، دروغ، راست این‌ها را
نمی‌زند از اولیاء خدا است، با خدا تا جایی که می‌داند که
خدا دوست دارد ارتباط دارد و سخنانش این طوری است.
دوستانی در بین شما هستند و ان شاء الله همه‌تان خواهید بود
که همه‌تان مبلّغ دین باشید، مبلّغ قرآن باشید، مبلّغ روایات
اهل بیت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام باشید، هر
کس زیر دستتان است همه را تربیت کنید و باید بکنید اگر
می‌خواهید «لسان الله» بشوید، اگر می‌خواهید جز خواص
شوید.

۱۷- لسان الله خاص الخاص

و «لسان الله خاص الخاص» اوّل پیغمبر اکرم
صلی الله علیه وآله اینجا می گویم اوّل پیغمبر اکرم
صلی الله علیه وآله و شاید تنها پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله
است. تنها پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله آن کسی واسطه
وحی است در امور دین و معارف، تنها و ائمه اطهار و
پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله در سایر چیزها «لسان الله»
است. ببینید خدا شهادت می دهد خیلی جالب است! به

این لسان، «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»^{۱۸}، درباره پیغمبر فرموده
اصلاً حرف نمی‌زند روی خواسته دلش، روی خواسته شیطان،
خواسته دل با خواسته شیطان تقریباً اگر خواسته خدا نباشد
یکی است. هیچ، گاهی در بعضی پیغمبرها هست که بعضی
کارها را کردند که پیغمبرها گفتند: «هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»^{۱۹}
ما نمی‌خواستیم این کار بشود! امّا درباره پیغمبر اکرم
صلی‌الله‌علیه‌وآله این نیست، این سخن از شیطان نیست،
القاء هم نمی‌کند و حق هم ندارد به هیچ وجه آن دور و برها
پیدایش نمی‌شود، «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» «إِنْ هُوَ» یعنی

۱۸ - سوره نجم، آیه ۳.

۱۹ - سوره قصص، آیه ۱۵.

همان نطقش «إِلَّا وَحَىٰ يُوْحَىٰ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ»^{۲۰} شما اگر با یک فردی برخورد کنید بدانید هر چه می‌گوید وحی است در امور دین وحی است، در امور شخصی یعنی اگر ممکن است اگر فرمود به ابراهیم جَمَّال برو در آن تنور، تنوری که دارد آتش بیرون می‌آید، ابراهیم جمال چون امامش را می‌شناسد، زبانش زبان خدا است، قدرتش قدرت خدا است، دستش دست خدا است، بدون اینکه بگوید: آقا برای چی؟! نگفت، یک کلمه نگفت برای چی من بروم آن تو، من که کاری نکردم، ماها که باشیم می‌گوییم: آقا ببخشید ما را هر کاری کردیم ما را

۲۰ - سوره نجم، آیه ۳-۵.

ببخشید، رفت. آقا هم دارد با آن شخص خراسانی صحبت می‌کند، دارد حرف می‌زند این در دلش هی می‌گوید: این رفت بنده‌ی خدا رفت داخل تنور، آقا هم هیچ به روی خودش نیاورد تا حالا سوخته حضرت فرمود: می‌خواهی بروی بینی چی شده؟ رفتند دیدند نشسته با آتش‌ها حالا بازی که اهل بازی نبود دارد به اصطلاح نشسته، خب ببینید حضرت به جریان ابراهیم حضرت ابراهیم خلیل مثال می‌زند، آنجا خدا گفته «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»^{۲۱} اینجا حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام در دل چون اگر به زبان

۲۱ - سوره انبیاء، آیه ۶۹.

می‌گفت آن شخص می‌فهمید در دل که دلش همان مرکز خدا است، دلش که همان خانه خدا است که همان عرش خدا است، در دل گفته «یا نَارُ کونی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهیمَ جمال» می‌بینید زبانِ زبانِ خدا است، خدای تعالی به حضرت اینکه می‌بینید در خصوص پیغمبر فرموده این‌جا دیگر نمی‌فرماید: «مَا یَنْطِقُ پیغمبر الرَّسُولُ عَنِ الْهَوٰی وَ الْمُؤْمِنُونَ» نه، چون همه آنچه که وحی شده به وسیله پیغمبر در بخش اعتقادات، معارف، دین؛ ولی در بخش‌های دیگر ائمه اطهار علیهم‌السلام هم به ایشان وحی می‌شود یکی نگوید: وحی تمام شد، قطع شد، اگر در روایات دارد که وحی

قطع شد یعنی در خصوص دین، معارف و این پیغمبر خاتم
است و الا در خصوص اینکه ابراهیم جمّال نباید بسوزد، چه
کسی باید آتش را سرد کند؟ خدا. از زبان خدا دارد می‌گوید:
«یا نَارُ کونی بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَی اِبْرَاهِیمَ» ای آتش تنور! آن آتش
نمرود بود و این آتش تنور بر ابراهیم جمّال سرد و سلامت
باش، سرد و سلامت. روایت دارد: اگر خدای تعالی به آن آتش
نمرودی می‌فرمود: «یا نَارُ کونی بَرْدًا» «بردا» همین اندازه آن قدر
سرد می‌شد که از سرما حضرت ابراهیم ممکن بود از بین برود
«وَ سَلَامًا» سرد سالمی باشد، سرد سالم می‌دانید چه طوری
است؟ انسان داخل اتاقی نشسته خیلی راحت نه خیلی داغ

که کلافه بشود، نه هم آنقدر سرد است که سینه پهلو کند،
راحت، سرد و سلامت. خب پس زبان خدا هستند منتها
«لسان خاص الخاص» پروردگار است، «السَّلامُ عَلَیکَ یا
لِسَانَ اللَّهِ» زبان خدا.

و سایر چیزها هم که هست حالا شرحش شاید مشکل باشد
برای شما و وقتمان هم گذشت مثل «جنب الله» و امثال
این‌ها، یک لغاتی هست که این معانی‌اش را درباره ائمه این
طوری که عرض کردم باید قبول کنید.

۱۸- کوشش برای ارتباط با خدا

و ان شاء الله شماها کوشش کنید اوّل «لِسَانُ الله عام» باشید، «عَيْنُ الله عام» باشید، «أُذُنُ الله عام» باشید، «وَجْهُ الله عام» باشید، اول این. چون می شود انسان وجه شیطان می شود، زبان شیطان می شود که عرض کردم اوّل این کار را کنید.

ثانیاً کوشش کنید که از این جهت خودتان نجات دهید عام که فایده ای ندارد البتّه بی فایده نیست، ولی خب بالاخره جزء همه هست، کوشش کنید خودتان را برسانید به جنبه ی خاص و از محضر «عَيْنُ الله خاص الخاص» و «وَجْهُ الله خاص الخاص» و «أُذُنُ الله خاص الخاص» و «لِسَانُ الله

خاص الخاص» ان شاء الله دائماً استفاده کنید و از این محور بیرون نروید و کوشش کنید ان شاء الله از امام زمانمان که زبان قوی خدا است، چشم قوی خدا است، ید قوی خدا است، ان شاء الله استفاده کنیم با آن حضرت ارتباط داشته باشیم، یک کاری کنیم حالا که زمان ما به یک جایی رسیده که الان خدمت دوست عزیزمان عرض می‌کردم این مسئله‌ی اینکه جهان عدل می‌خواهند از جنگ متنفر هستند این قدر تظاهرات در این خصوص کردند یکی از علائم ظهور است مهم‌ترین بلکه علامت ظهور و ظهور صغرای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه است، بنابراین هر چه این‌ها را می‌بیند آماده‌تر

باشید، یک خرده از تنبلی - بیکاری - بیحالی نمی دانم ۵ -
۶ تا دیگر «بی» خودتان را نجات دهید و کوشش کنید
ان شاء الله به حقیقت برسید و خدا را یار خودتان بدانید که:
«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^{۲۲} کسی که خدا را یاری کند، خدا
یاریش خواهد کرد.

السلام علیک یا ابا عبد الله و علی الارواح التی حلت بفنائک
علیک منی سلام الله ابدًا ما بقیت و بقی اللیل و النهار و
لاجعله الله آخر العهد منی لزیارتکم ، السلام علی الحسین و
علی علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب

۲۲ - سوره حج، آیه ۴۰.

الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَعَنَ
اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، قَتَلَكَ وَ مَا عَرَفُوكَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعاً وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»

«نَسئَلُكَ اللَّهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِأَعْظَمِ اسْمَائِكَ وَ بِمَوْلَانَا
صَاحِبِ الزَّمَانِ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ» خدایا روز
جمعه است «الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُ إِمَامٍ زَمَانِنَا» خدایا ما امروز
توقع ظهور را داریم به آبروی امام زمان ظهور آن حضرت را
برسان، همه ما را از بهترین اصحاب و یاورانش قرار بده، قلب
مقدسش را از ما راضی بفرما، دین و دنیا و آخرت ما تحت پناه
آن حضرت حفظ بفرما، خدایا در این آخرالزمان که شیطان

همه را به سوی فساد و هلاکت می بردشان خدایا ما را زیر
سایه امام زمانمان حفظ بفرما، پروردگارا به آبروی آقامان حجة
بن الحسن، خدمتگزاران به دین، خدمتگزاران به اسلام عزیز
و شیعیان علی بن ابیطالب خدایا کمک بفرما، خدایا! مردم
عراق را از این وضعی که دارند به وضع سلامت و صحت
بهتری مُبدل بفرما، پروردگارا زیارت سید الشهداء را در کربلا
همین امسال نصیبمان بفرما، پروردگارا مریض های اسلام،
مریضه منظوره، طفل مریض، مریض منظور الساعة لباس
عافیت بپوشان، امواتمان غریق رحمت بفرما، شهدامان، امام

راحلمان غریق رحمت بفرما، عاقبتمان ختم به خیر بفرما. «و
عَجِّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ»